

آنچه تقوای الهی را نابود می‌کند

یکی از سؤال‌های اساسی درباره تقوا و پرهیزگاری، این است که عامل دوام تقوا چیست و عامل نابودی آن چیست؟ امام صادق^(ع) در روایت زیبایی در تفسیر آیه شریفه اتقوا الله حقّ ثقاته می‌فرمایند: حق تقوا، با سه عمل قابل تحقق است. اول آنکه خدا مورد اطاعت قرار بگیرد و مورد معصیت و نافرمانی واقع نشود، دو اینکه خدا مورد یادآوری انسان در همه اوقات باشد و انسان‌ها به یاد خدا باشند و او را فراموش نکنند و مورد بعدی اینکه فرمودند: یشکر و لا یكفر، اینکه خدای بزرگ به خاطر نعمت‌هایی که به ما بخشیده مورد شکر و سپاسگزاری قرار بگیرد و کفران نعمت در ساحت مقدس پروردگار نشود. این سه عامل، عوامل صیانت از تقوا و حفظ تقواست و به همین ترتیب عوامل از بین رفتن تقوا نیز مشخص می‌شوند، دلیل نابودی و از بین رفتن تقوا به این است که انسان خدا را معصیت کند، عامل دوم این است که انسان خدا را در زندگی فراموش کند و به یاد او نباشد و عامل سوم آن است که در مقابل داده‌های پروردگار سپاسگزاری نکند و اهل کفران نعمت باشد. اگر این سه عامل منفی در زندگی ما وجود داشته باشد، دیگر از اهل تقوا نخواهیم بود. اما سه مورد اول که عوامل به وجود آورنده تقوا هستند، چگونه به وجود می‌آیند و حفظ می‌شوند؟ سه عاملی که به عنوان عوامل به وجود آورنده تقوا در بیان امام صادق^(ع) آمده است، کاملاً به هم وابسته هستند. همان اطاعت و یاد خدا و شکر که تنها اگر انسان به یاد او باشد از گناه دور می‌شود و اگر نعمت را از خدا دانست و فهمید که اکنون با نعمت و لطف خدا ایستاده است و همه چیزش مال خداست و شاکر این نعمت باشد، این شکر او را از گناه دور می‌کند. این سه عامل کاملاً به هم وابسته و مرتبط هستند، البته همان طور که واضح است شکر واقعی، یک موضوع صرفاً لفظی نیست که کسی بگوید شکر... و تمام. شکر واقعی یک بینش است که انسان با تمام وجود، نعمت‌های زندگی‌اش را از سوی خدا بداند، اینکه هر چه دارد را مال خدا بداند، کمال‌ها و زیبایی‌ها را از سوی خداوند و نقصان‌ها و زشتی‌ها را از سوی خودش و اراده و اختیار خودش یا عوامل انسانی بداند، در واقع این سه عامل مثبت را می‌توانیم در یک کلمه خلاصه کنیم و آن رابطه با خداست، کسی که با خداوند رابطه داشته باشد همیشه این سه عامل در او زنده خواهد بود و در زندگی او وجود خواهد داشت. رابطه با خداوند بستگی به این دارد که خداوند تبارک و تعالی پیش چشم انسان جلوه داشته باشد و آنچه انسان را از این رابطه دور می‌کند در نقطه مقابل است، یعنی زمانی که جلوه دنیا پیش چشم انسان است. البته دنبال دنیا رفتن به خاطر وظیفه و کشایش ایجاد کردن برای خانواده، عبادت است و باز رابطه با خداست، اما دنیاطلبی به خاطر تفاخر و تکاثر، دنبال جلوه‌های مسموم دنیا راه افتادن است. ثعلبه انصاری مردی فقیر بود و از ثروت بهره‌ای نداشت، روزی به پیامبر^(ص) گفت: ای رسول خدا^(ص)! برایم دعا کن خداوند به من ثروتی عنایت کند. پیامبر^(ص) فرمودند: ای ثعلبه! مقدار مالی که در اختیار توست، اگر به ادای شکرش برخیزی؛ برای تو بهتر است از ثروتی که نتوانی مسئولیت آن را تحمل کنی. ای ثعلبه! به خدا اگر اراده کنم، کوه‌ها برآیم طلا و نقره می‌شوند، اما بهترین زندگی آن است که در آن عفاف و کفاف باشد و بهترین مال آن است که انسان بتواند شکرش را به جای آورد. ثعلبه به بیان رسول خدا^(ص) قانع نشد و با اصرار از پیامبر^(ص) تقاضای دعا کرد و به حضرت^(ص) گفت: به آن خدایی که تو را مبعوث به رسالت کرده است، اگر ثروتی به من عطا شود، به هر کس در ثروت من حق دارد، حشش را ادا خواهم کرد، رسول خدا^(ص) با اصرار ثعلبه دعا کرد. پس از دعای رسول خدا^(ص) زندگی مادی ثعلبه دگرگون و روزبه‌روز ثروتش زیادت‌ر شد. اول چند گوسفند تهیه کرد و مشغول دامداری شد. به‌مرور زمان دامنه اموالش چنان وسعت گرفت که به تدریج شهر مدینه از پاسخ گفتن به نیاز او عاجز شد. به همین علت از شهر به بیابان رفت و در آنجا به کار دامداری مشغول شد و چنان سرگرم اداره کار خود شد که بر اثر کثرت کار از جمعه و جماعت و زیارت پیامبر^(ص) محروم ماند. پس از نزول حکم زکات به دستور رسول خدا^(ص)، مأموران جمع‌آوری زکات به سراغ ثعلبه رفتند و برابر حکم خدا و رسول^(ص)، از او طلب زکات کردند، اما او از دادن زکات بخل ورزید و در جواب گفت: زکات در ردیف جزیه‌ای است که از اقلیت‌های مذهبی می‌گیرند و این برنامه، زوری است که بر ما ثروتمندان تحمیل می‌شود و من از دادن این گونه مالیات‌ها خود را معذور می‌بینم! چون خبر بخل‌ورزی او به پیامبر^(ص) رسید، دوبار فرمودند: وای بر ثعلبه، وای بر ثعلبه. او همچنان به جمع‌آوری ثروت و اضافه کردن مال مشغول بود تا تمام ثروتش از بین رفت و همچنان که قرآن فرموده است به سوءعاقبت دچار شد. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که دل‌های ما را ظرف یاد خود قرار بدهد و توفیق اطاعت و شکر خودش را در این دنیا از ما سلب نکند. ان شاء...

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بپرس و بدان

مبطلات نماز

حکم لباس نجس در هنگام نماز



در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ با ما در ارتباط باشید.

در احکام قبل، واجبات مربوط به نماز را گفتیم. در این شماره لازم است درباره مبطلات نماز هم بدانیم.

مبطلات نماز:
از بین رفتن یکی از شرط‌های نماز است، مثل باطل شدن وضو یا اشتباه ایستادن جهت قبله یا اینکه وسط نماز متوجه شود لباسش نجس است.

اگر نمازگزار بعد از نماز بفهمد لباسش نجس است، حکم آن چیست؟
● **آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای:**
اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است ولی اگر قبلاً نجاست آن را می‌دانسته و فراموش کرده و با آن نماز خوانده است، نمازش باطل است.

● **آیت‌ا... العظمی سیستانی:**
اگر کسی یقین دارد که بدن یا لباسش نجس نیست و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نمازش صحیح است.

● **آیت‌ا... العظمی مکارم شیرازی:**
در فرض سوال، نماز او صحیح است، خواه در وقت باشد یا بعد از وقت.



جستاری درباره آنچه باید درباره تقلید و انتخاب مرجع بدانیم

آگاهانه در انجام احکام دینی عمل کنیم

حمیده خلیل‌زاده | بیشتر ما از همان دوران کودکی اصول و فروع دین را در میان خانواده یا در مدرسه آموزش می‌بینیم و با عطر معارف دینی و قرآن کریم آشنا می‌شویم اما شاید همه ما تا دوران نوجوانی و به سن تکلیف رسیدن، این را ندانیم که تفکر و تعمق در معنای اصول دین از واجبات برای یک فرد مسلمان است؛ یعنی باید اصول دین را با تحقیق ببذیریم اما در فروع دین و احکام می‌توانیم برای خود فردی را به عنوان مرجع انتخاب کنیم تا آنچه در باب سبک زندگی دینی و اتفاقات روزمره در زمینه احکام و مناسبات برایمان رخ می‌دهد، برایمان روشن کند. از آنجایی که پدران و مادران نمی‌توانند تمام احکام اسلامی را به فرزند خود بیاموزند، لزوم تعیین مرجع دینی مشخص می‌شود. راهنمایی نوجوان در این زمینه یکی از حقوقی است که از طرف خداوند بر عهده هر پدر و مادری گذاشته شده است. حضرت علی^(ع) در وصیت خود به امام حسن^(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه می‌فرماید: «چنین دیدم که قبل از هر چیز، کتاب خداوند عزوجل، تفسیر و تأویل آن، شرایع و احکام اسلام، حلال و حرام آن را به تو آموزش بدهم و جز این، به چیزی نپردازم».

دلیل عقلانی انتخاب مرجع تقلید

مهم‌ترین دلیل بر لزوم تقلید در مسائل دینی، این است که انسان غیرمتخصص باید در مسائل تخصصی به متخصص آن مراجعه کند.

تقلید چیست؟

مراد از تقلید، مراجعه غیرمتخصص در یک امر تخصصی به متخصص آن است.

مراجع تقلید

مرجع اعلم:

اعلم کسی است که در استخراج کردن احکام از منابع آن از بقیه استادتر است.

مراجع تقلید متأخر

عناوین

موقعیت جغرافیایی

مراجع تقلید زمان ما

در عصر حاضر، عده‌ای از علما و مدرسان حوزه علمیه قم (جامعه مدرسین)، تعدادی از مجتهدان عالی‌قدر را که شایسته مرجعیت هستند، معرفی کرده‌اند تا کسانی که نتوانسته‌اند مرجع تقلید اعلم را شناسایی کنند، با عمل به فتاوی یکی از این مراجع به وظیفه خود عمل کنند و از آنجا که اعلمیت یکی از این مراجع به‌طور مشخص برای این استادان محرز نشده است، این امر در حکم تساوی مراجع یادشده بوده و تقلید از هر کدام از آن‌ها جایز و صحیح خواهد بود. این مراجع به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از:

آیت‌ا... العظمی سیدعلی خامنه‌ای

آیت‌ا... العظمی ناصر مکارم شیرازی

آیت‌ا... العظمی لطف‌ا... صافی‌گلپایگانی

آیت‌ا... العظمی سیدموسی شبیری‌زنجانی

آیت‌ا... العظمی سیدعلی سیستانی

آیت‌ا... العظمی حسین وحید خراسانی

آیت‌ا... العظمی حسین نوری همدانی

پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مجتهدانی که تقلید از آن‌ها جایز است، به این چند نفر منحصر نبوده است و ما به دلیل شهرت بیشتر این فقها، اسامی آنان را در اینجا ذکر کرده‌ایم.

در کدام امور دینی به مرجع تقلید نیازمندیم؟

مسلمان در اصول دین، باید خودش بررسی و تحقیق کند و ایمان به دست بیاورد اما در احکام دین باید مجتهد باشد یا بر اساس احتیاط عمل کند یا از مجتهد تقلید کند. لازم است اول معنای این اصطلاحات را بدانیم و بعد به شرایط تقلید بپردازیم.

حدود تقلید:

تقلید فقط مختص احکام واجب و حرام نیست، بلکه شامل کارهای مستحب، مکروه و مباح هم می‌شود.

کسی که به تکلیف رسیده است:

● یا مجتهد است
● یا مقلد است
● یا کسی که بر احتیاط عمل می‌کند، یعنی از تمام آرای فقها مطلع باشد و بر طبق فتاوایی عمل کند که یقین کند.

مقلد:

● به هر کسی که به سن تکلیف رسیده و مجتهد نیست، واجب است کارهای خود را براساس فتوا و تقلید از عالمی که به اجتهاد رسیده است، انجام دهد.

مرجع تقلید چه شرایطی باید داشته باشد:

● حلال‌زادگی
● عدالت
● زنده‌بودن (تقلیدابتدایی)
● شخص باید به مرجع زنده
● اجتهاد
● عقل
● بلوغ
● مردبودن
● باشد و اگر مجتهد از دنیا رفت، می‌تواند با شرایطی به فتواهای ایشان عمل کند.)
● شیعه دوازده امامی بنا بر احتیاط واجب، اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد.

چطور بفهمیم کسی مجتهد و اعلم است:

● خود انسان اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.
● دو نفر عادل از اهل علم به او بگویند، به شرط اینکه دو نفر عالم دیگر برخلاف گفته آن‌ها شهادت ندهند.
● آن چنان در میان اهل علم و محافل علمی مشهور باشد که انسان یقین پیدا کند او اعلم است.
● جست‌وجو و تفحص برای شناخت مجتهد اعلم
● اگر دو مجتهد از نظر علمی یکسان باشند، مقلد اختیار دارد از بین آن‌ها انتخاب کند.
● اگر دو مجتهد در یکی از بخش‌های احکام اعلم باشند، مقلد باید بنا بر احتیاط واجب در هر حکم به اعلم مراجعه کند.
● اگر کسی فتوای مجتهد را به اشتباه بگوید، واجب است به آن‌هایی که یاد داده اطلاع بدهد و رفع اشتباه کند.

چطور فتوا را بدانیم:

● شنیدن از خود مجتهد
● شنیدن از یک یا دو نفر عادل
● شنیدن از یک نفر مطمئن
● دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که اشتباه نداشته باشد.